

ابن طنز نیاری

یادداشت‌هایی درباره طنز خوانی و طنز نویسی

سید مهدی حسینی



طنز (satire)

همه می‌دانیم که از ویژگی‌های قوم ایرانی، شوخ طبعی و طنزپردازی است و خندیدن و خنداندن جزء زندگی آن‌ها شده است. نگاهی به کثرت مثال و حکم طنزآمیز که در کتب مختلف جمع‌آوری شده، این مدعا را کاملاً به اثبات می‌رساند. مثل این نمونه‌ها:

■ از آن ترس که های و هو دارد، از آن بترس که سر به تو دارد
■ آدم ثواب کنم، کباب شدم!
■ استر را گفتند: پدرت کیست؟ گفت: خاله‌ام مادیان است!

■ ماما که دوتا شد، سر بچه کج بیرون می‌آید!
اما آن‌چه باید باز هم بر آن تاکید داشت تشخیص شوخی‌های واقعی و طنزهای هدفمند و تاثیرگذار است. در ابتدای این نوشته، هدف‌مان از پرداختن به موضوع طنز را یادآور شدیم و تاکید کردیم مرزی دقیق میان انواع خنده در بین عموم مردم تعریف نشده است و همه آنچه ما را می‌خنداند، حقیقتاً طنز نیست.

حال در این بخش از زاویه‌های متفاوت به موضوع طنز پردازیم و تقسیم‌بندی‌هایی نیز ارائه کنیم.
طنز در لغت، افسوس کردن، مسخره کردن، طعنه زدن، سرزنش و ناز معنی شده است. در متون قدیم نیز طنز به همان معانی مذکور آمده است:
طنزکنان رو بهی آمد ز دور
گفت: صبوری مکن ای ناصبور
(مخزن الاسرار نظامی)

معنی اصطلاحی طنز، از معنی لغوی آن دور نیست و با مروری بر فرهنگ‌ها و کتب مرجع می‌توان معانی اصطلاحی طنز را بدین گونه برشمرد:

آن نوع ادبی که در السنه غربی **satire** نامیده می‌شود و در فارسی «طنز» اصطلاح شده، عبارتست از روش ویژه‌ای در نویسندگی است که ضمن دادن تصویری هجوآمیز از جهات زشتی و منفی و ناجور زندگی، معایب و مفاسد جامعه و حقایق تلخ اجتماعی را به صورتی اغراق آمیز - یعنی زشت‌تر و بدترکیب‌تر از آن چه هست - نمایش می‌دهد تا صفات و مشخصات آن‌ها روشن‌تر و نمایان‌تر جلوه کند و تضاد عمیق موجود با اندیشه یک زندگی عالی آشکار گردد.

بدین ترتیب قلم طنزنویس با هر چه که زندگی را از ترقی و پیشرفت باز می‌دارد، بی‌گذشت و اغماض مبارزه می‌کند. مبنای طنز بر شوخی و خنده است اما این، خنده شوخی و شادمانی نیست؛ خنده‌ای است تلخ، جدی و خطرناک، همراه با سرزنش و سرکوفت و کمابیش زننده و نیش‌دار که با ایجاد ترس و بیم، خطاکاران را به خطای خود متوجه می‌سازد و معایب و نواقصی را که در حیات اجتماعی پدید آمده است، برطرف می‌کند.

طنز در حقیقت اثری است هنری و ادبی، که با استفاده از «بذله»، «وارونه سازی» «نقضیه» و ... ضعف‌ها و تعلیمات اجتماعی بشری را به نقد می‌کشد؛ تفکر برانگیز است و ماهیتی پیچیده و چند لایه دارد و اگر از خنده استفاده می‌کند، استفاده‌ای ابزاری است برای رسیدن به هدف برتر و آگاه ساختن انسان به عمق ردالت‌ها.

طنز اگرچه می‌خنداند، اما در پس این خنده، واقعیتی تلخ و وحشتناک وجود دارد که در عمق وجود، خنده را می‌خشکاند و او را به تفکر وامی‌دارد؛ به همین خاطر درباره آن گفته‌اند:

طنز یعنی گریه کردن قاه قاه

طنز یعنی خنده کردن آه آه!

ذات طنز با اعتراض عجین شده است و به عبارتی می‌توان گفت: طنز، زاده غریزه اعتراض است و خشم، که نهایتاً به «هنر» تبدیل می‌شود.

یکی از بهترین تعاریف درباره طنز را «جانان سوئیفت» ارائه کرده است:

طنز «آینه‌ای» است که بینندگان آن عموماً چهره کسی جز خودشان را در آن کشف می‌کنند و همین، علت استقبالی است که نسبت به طنز در دنیا وجود دارد و باز به همین خاطر است که کمتر کسی از آن می‌رنجد. از نتایج مهم طنز، ایجاد تردید و آشوب در وجود آدمی است. طنز در ذات خود، انسان را برمی‌آشوبد و بر تردیدهایش می‌افزاید و با آشکار ساختن جهان همچون پدیده‌ای دوگانه، چنگانه یا متناقض، انسان را از یقین‌ها محروم می‌کند. به همین دلیل است که «لئوناردو شاشا» می‌گوید:

«درک هیچ چیزی دشوارتر از درک طنز نیست و هیچ چیزی کشف ناکردنی‌تر از طنز نیست!»
اگر بخواهیم آن‌چه را که نقل کردیم در چند سطر خلاصه کنیم، می‌توان درباره طنز به این نکات کلیدی دست یافت:

■ دستمایه طنز، تحکم، استهزا و گزندگی است.
■ هدف طنز، نشان دادن عیوب، ناراستی‌ها، مبارزه با آن و اصلاح آن‌هاست.
■ روش طنز، بزرگ‌نمایی، با زبان دلنشین خنده، ترساندن و هشدار است.
■ نتایج طنز، بیدارگری، خنداندن، ناراحت کردن، ایجاد تردید، واداشتن به تامل و فکر، دور ساختن از غفلت و نشان دادن «تناقض‌ها» است.
می‌توان باز هم به طور خلاصه‌تر و گزیده‌تر گفت: طنز، نشان می‌دهد، اغراق می‌کند، می‌خنداند، هشدار می‌دهد، ناراحت می‌کند، به تفکر وامی‌دارد و نهایتاً جامعه و فرد را از خود ممنون می‌سازد!